

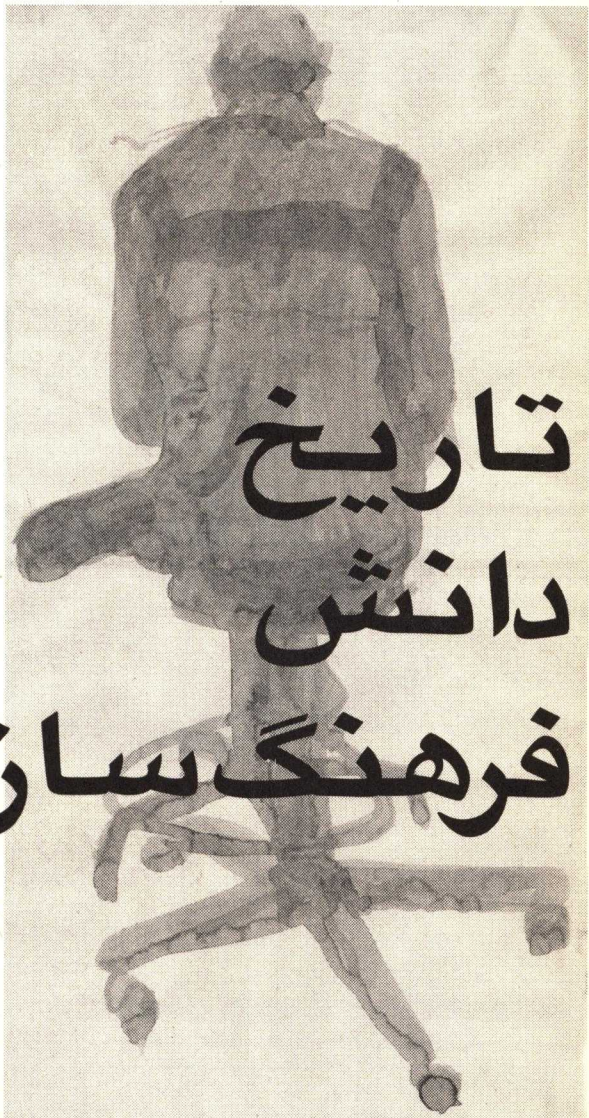
سخن سردبیر

هرچه نوگرایی^۱ در جهان امروز ابعاد گسترده تری می یابد، توجه جوامع به «تاریخ» نیز بیش تر می شود. شاید برای کسانی که فقط به ظواهر امور توجه می کنند، این امر حاکی از نوعی تناقض باشد، اما این از واقعیات دنیای ما و گویای نکات بسیار مهمی در سیاست فرهنگی دولت ها و ملت هاست.

اگر کشورهای پیشرفته ای مانند فرانسه، انگلستان، ایالات متحده، ژاپن یا چین را در نظر بگیریم، به سادگی درمی یابیم که با وجود نوگرایی بسیار زیاد، به نحو بسیار شگفت انگیزی به تاریخ و گذشته خود توجه دارند. موزه های بسیار و بناهای یادبود متعدد برپا می کنند و به درس تاریخ در مدرسه ها اهمیت می دهند. آن ها برای این منظور هزینه بسیار می کنند و نیروی انسانی فراوانی را نیز به کار می گیرند.

نباید تصور کرد که چنین فعالیت هایی فقط برای جلب جهانگرد یا زیاسازی شهرها و با مقاصد هنری و مانند آن دنبال می شود، بلکه در مقدمه لازم است توجه داشت که نوگرایی دنیای جدید و دستیابی به پیشرفت های بزرگ علمی، صنعتی و... با اتکا به «علم تاریخ» بوده است. زیرا با تحول در دانش و بینش دنیای جدید درباره تاریخ بود که راه برای نوگرایی گشوده شد. اگر تاریخ قرن هجدهم اروپا را بررسی کنیم، درمی یابیم که در آن زمان (عصر روشنگری) چگونه علم تاریخ تحول پیدا کرد و «اندیشه ترقی» را به وجود آورد.

از آن جا که همه فعالیت های انسان، به عنوان موجودی خردمند، مستلزم مبانی نظری و فکری خاص خود است، شکل گیری تمدن جدید نیز آن هنگام صورت گرفت که در کنار بسیاری از تحولات فکری، اندیشه تاریخی هم دگرگون شد. در واقع، این دانش تاریخی جدید بود که تولد دنیای جدید را موجب شد. بیان دیگر این سخن آن است که گام برداشتن به سوی دنیای آینده، آن هنگام صورت گرفت



تاریخ دانش فرهنگ ساز

دکتر عبدالرسول خیراندیش





که تلقی جدیدی از گذشته‌ها پدید آمد.

هر چند محتوای این تحول جای بحث و بررسی و نقد و نظر بسیار دارد و نمی‌توان آن را رد کرد یا پذیرفت، اما در این جا نکته‌ای وجود دارد که در آن اختلاف نظری نیست؛ و آن این است که دانش و بینش تاریخی هر جامعه نقشی مهم در تفکر و فرهنگ آن جامعه دارد. با درک همین واقعیت است که جوامع پیشرفته بر درس تاریخ و عرضه تاریخ به جامعه و به خصوص جوانان، تأکید بسیار دارند. از آن جا که تاریخ در بردارنده سنت‌ها و میراث فکری و فرهنگی هر ملت است، نباید چنین پنداشت که بدین ترتیب چنین جوامعی ستگرا و گذشته‌گرا می‌شوند. زیرا آن‌ها به عنوان بخشی و حتی بنیانی از نوگرایی خود، به تاریخ می‌نگرند. آنان با پرداختن به تاریخ به گذشته نمی‌روند، بلکه گذشته‌ها را به زمان حال می‌آورند و مورد استفاده قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، در حالی که گذشته را مطالعه می‌کنند به سوی آینده گام برمی‌دارند در واقع تاریخ را در خدمت خود گرفته‌اند.

از عکس، نقشه و کتاب و ایجاد موزه، مکان‌های یادبود و نظایر آن‌ها، از اهمیت خاصی برخوردار است.

خوشبختانه، کشور ما دارای تاریخی غنی و مردمی علاقه‌مند به تاریخ و فرهنگ خویش است. مردم ما جهان‌بینی و ارزش‌هایی را که با آن بالیده‌اند، باور دارند و تعالی و ترقی را همواره خواستار بوده و برایش کوشش داشته‌اند. این سرمایه معنوی اساسی، چنان‌که با تحول و توسعه دانش تاریخی توأم شود، بهتر می‌توان از آن بهره برد و راه گام نهادن به سوی آینده را هموار ساخت. بدون شک، هر جامعه‌ای در شناخت تاریخ خویش و یافتن راهی که در پیش دارد، به نحو خاص خود عمل می‌کند.

اما در مقدمه به عنوان بستری برای این امر لازم است، با بهره‌گیری از تاریخ و میراث ایرانی و اسلامی خویش، فرهنگ‌سازی را مورد توجه قرار دهیم. در فرایند فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری جامعه ما، ضروری است که تاریخ جایگاهی بس مهم و ارزشمند داشته باشد. این امر فراتر از درس تاریخ در مدرسه‌هاست و باید در سطحی وسیع و به نحوی عمومی و همگانی و به عنوان برنامه‌ای اساسی در برنامه فرهنگی کلان کشور دیده شود.

پانویس:

1. Modernism

بنابراین، در مقدمه هر اندیشه و عمل فردی یا جمعی، مراجعه به تاریخ و درس گرفتن از آن، به منظور پرهیز از تکرار آن دیده می‌شود. چنین شیوه عملی خود به خود ابتکار و نوآوری را به دنبال دارد. عکس این روش هنگامی است که اندیشه و عمل فردی و اجتماعی بدون آگاهی از تاریخ باشد که در این صورت، هم امکان تکرار وجود دارد و هم دور زدن و درجا زدن. سخنی مشهور است که: «کسی که تاریخ نداند، تاریخ را تکرار می‌کند.» راه اجتناب از تکرار در تاریخ نیز خواندن تاریخ و درک صحیح آن است.

بدین ترتیب به خوبی می‌توان دریافت که چرا نوگرایی جوامع جدید همراه با توجه روزافزون به تاریخ، باستان‌شناسی، برپایی موزه‌ها، نوشتن کتاب‌های تاریخی، آموزش گسترده تاریخ و... بوده است.

در این جا نقش تاریخ در شکل‌گیری هویت و موجودیت ملی و اثبات ریشه و سابقه داشتن ملت‌ها هم مطرح است که خود سخن دیگری است. آنچه در این مقال مدنظر است، تأکید بر این نکته است که در جوامع پیشرفته، دانش و بینش تاریخی جزئی غیرقابل انکار از فرهنگ با تمامی معنا و مفهوم آن به شمار می‌آید. به همین دلیل، علاقه‌مند ساختن کودکان، نوجوانان، جوانان و به طور کلی همگان به تاریخ و عرضه فراوان مواد سمعی و بصری تاریخی، اعم